

فوجی

سال ششم، شماره ۲۹۶
پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۸۶
تومان ۲۵۰



تصویری کودکان فرهنگنامه

بیری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان کتاب در مجله

جلد هجدهم



به نام خداوند بفسنده مهربان

دوست

هفته نامه کودکان ایران

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

بازی کدام سایه؟

پشت جلد ۳ سایه می بینید که فقط یکی از آن ها مربوط به تصویر روی جلد است و بقیه با تصویر اصلی تفاوت هایی دارند. قلم بردارید و سایه ی تصویر را پیدا کنید

• مدیر مسئول: مبدی ارگانی • سردبیران: افسین علاء - سیامک سرمدی

• مدیر هنری: احمد قائمی مهدوی • تصویر گر: محمد حسین صلوایان • مدیر داخلی و طراح بازی جلد: نادیا علاء

• عکس: امیر محمد لاجورد • حروفچین: نیر السادات والاتیر • توزیع: محمد ملازدہ • امور مشترکین: مهدی باقری

لیتوگرافی و چاپ: موسسه چاپ و نشر عروج

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی - چهار راه حافظ - پلاک ۹۶۲ تلفن: ۰۶۴۷۰۶۸۳۳ - نامبر: ۰۶۷۱۲۲۱۱

- فهرست مطالب کتاب در مجله F مثل Fire (آتش)
F مثل First aids (کمک های اولیه)
F مثل Fish (ماهی)
F مثل Flags (پرچم ها)
F مثل Flies (حشرات بالدار)
F مثل ...

کتاب در مجله فرهنگنامه
تصویری کودکان

جلد هجدهم



محمد (ص) آمد

هوا آغشته با عطر شفابخش پیاران است. و آسمان به هر سو ستاره باران است و من در سکوتی طلایی چشمان بیت زده ام را به آسمان دوخته ام تا نماشانگر نوری باشد که فقط در آسمان برای یکبار درخشید و درخشش آسمان و زمین را نورانی نمود و فصلی سبز آغاز شد. فصلی که تمام درختانش سرسیز و شاداب است فصلی که با رویش در آچه در زمین می روید با افتخار است محمد آمد و مبعوث شد تا به همه خوش ها و پاک ها و محبت ها بعثت کند و زنجیر اسارت نفس، جهل و غرور و اسارت ظالمین را از گرد آدمیان باز نماید و دلهای بین کران را معنا سازد ای محمد ملتمنش من شوم که چراغ راه زندگی ام باشی و پنجه های سبز زندگی را به روی نگاه های پر التمامس بکشانی تا به آرامش واقعی دست پایم.

فتنه میر باقی از سیر



ایمیر قبایی / از کاژرون



محمد امین رنجبر / ۹ ساله / از کاشان

فتوش شفیعی / ۱۱ ساله / از تهران

این شماره در صفحه های ۳۸ و ۳۹ چاپ شده است.

میتوحه نورانی

حضرت محمد(ص) در سال ۵۷۰ م در مکه بدنبال آمدنند نام مادر ایشان آمده است. این حضرت چند سال بیش تر از داشتن مادر پیره مند نیوتدند و پس از مدتی کوتاه آن حضرت را به دایه ای به نام حلیمه سپردند. این پیامبر بزرگ آورنده دین اسلام است و در جوانی بعلت راستی و درستی به محمد امین مشهور بودند. در بیست و پنج سالگی با زنی ثرومند به اسم خدیجه ازدواج کردند. خدیجه و حضرت علی اوّلین کسانی بودند که به پیامبر ایمان آوردند.

آن حضرت در چهل سالگی (۲۷ ربیع الاول برابر با ۶۲۲ م) به پیامبری رسیدند. در ربیع الاول مازم از مکه به مدینه هجرت فرمودند.

وقتی که آزار و اذیت مشرکان بر پیامبر و مسلمانان زیاد شد آن ها به همراهی ابوطالب به یکی از دره های زندگی مکه رفندند و به مدت سه سال در آن جا زندگی می کردند در آن مدت ابوطالب و خدیجه مخفیانه نیاز آن ها را برطرف می ساختند.

پیامبر اسلام به علت بیماری در مدینه در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری برابر با ۶۳۲ م رحلت فرمودند. در موزه «توبکایی» استانبول ترکیه اوّلین قرآن های اسلامی، عبا، موی محاسن، جای پای پیامبر اسلام و پرده کعبه تکه داری می شود.

خداآوند در قرآن کریم می فرماید: «پیامبر برای شما سرمشی نیکوست»

چون ماه رمضان فرا می رسید رنگ چهره اش دگرگون می شد و نماز و نیایش او بیش تر می شد. در ایام ماه رمضان بستر خود را جمع می کردند تا بیش تر به عیادت بپردازند. آن حضرت براین باور بودند که روزه تنها لب سست از خوردن و آشامیدن نیست. بلکه دست پا،

چشم، گوش و زبان نیز از کنایه باید روزه بدارد.

حضرت محمد(ص) خود به حیوانات علف می داد، با دستش گوسفندان را می دوشید. پارانش جلوی پای او برنمی خاستند چون می داشتند که بدش من آید.

همجنین آن حضرت می فرمود: وقتی کسی سخنی به شما گفت و به اطراف خود نگاه کرد آن سخن نزد شما امانت است.

غذاهای مورد علاقه پیامبر بود از:

- تمام غذاهای حلal را من خوردم.

- عسل و خربغا خیلی دوست داشتند.

- بودن سرمه و سبزی را در سفره میم می داشتند.

- نان جو سیوس دار میل می کردند.

بدرام حاج اسماعیلی از تهران

F مثل Fire (آتش)

با وجود هزاران اکتشاف و اختراعی که پسر از ابتدای خلقت تا کنون انجام داده است، با این حال، کشف آتش هنوز مهمترین کشف انسان به حساب می آید. با کشف آتش توسط انسان های اولیه، زندگی پسر تغییر مهیم پیدا کرد و این کشف زمینه ساز پیشرفت های دیگر پسر کردید.





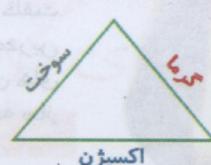
یک حاطه هرارند

یکی از دختران حضرت امام (س) نقل می کنند:

تمیزی و بیداشت حضرت امام (س) در هنگام غذا خوردن یکی دیگر از صفات پسندیده‌ی ایشان بود. حضرت امام در خوردن غذای خود - آبگوشت یا هر چیز دیگر - نظم خاصی داشتند. بر سر سفره شان دو تاسه قاشق غذاخوری، یک کارد و دو تاسه قاشق مرباخوری وجود داشت. در واقع برای هر ظرفی یک قاشق جداگانه می گذاشتند. بسیار مواظب بودند که چیزی بر روی لباسشان نریزد. اول یک حوله می انداختند و زیر آن یک نایلوون قرار می دادند. دقتشان در تمیزی بسیار زیاد بود. گاهی ما می گفتیم: «آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی، داستان غذای شماست. غذایتان چیزی نیست. اما تشریفات آن خیلی زیاد است.»

یادم می آید، یک بار در بچگی نام را در داخل کاسه‌ی ماست زدم و خوردم، همین که می خواستم بزنم توی ماست، انگشتم به ماست خورد. آقا روی دست من زندند. خیلی کوچک بودم و حدود پنج، شش سال سن داشتم، بدیگی است که متوجه ناراحتی من شدند. بعد، دست مرا توی دهانشان

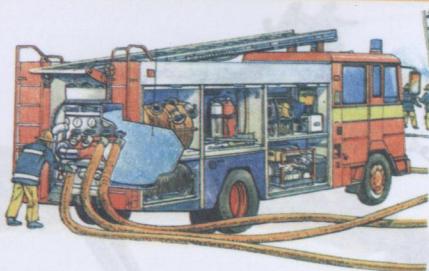
برای ایجاد آتش، وجود اکسیژن هوا،
سوخت و گرمای الزامی است. دانشمندان
به این سه عامل، «مثلث آتش» می گویند.



گذاشتند و گفتند: من از دست تو بدم نمی آید.
اما ما باید سر سفره ای که جمعی نشسته ایم، دقت
داشته باشیم که قاشق برای ماست هست.
برای رعایت بهداشت، دمپایی هر فضایی
مخصوص بود. مثلاً دمپایی اتاق با دمپایی حیاط
یا دمپایی دستشویی فرق می کرد. به این ترتیب،
همواره پنج تا شش دمپایی داشتند. روزی به ایشان
گفتم: «شما می گویید ساده باشید، در صورتی که
شما شش هفت جفت دمپایی دارید. اما ما یک
جفت داریم.»

امام فرمودند:

شما یک جفت دارید، یک سال می پوشید. من
هفت جفت دارم، هفت سال می پوشم. اسراف
نکرده ام. اما دمپایی که توی آشپزخانه می پوشم
با دمپایی توی اتاق فرق می کند. شما هم همین
کار را بکنید.



با همه ی خدمتی که آتش به بشر می کند، اما
کنترل نکردن آن یکی از بلاهایی است که جان و مال
انسان را به خطر می اندازد. آتش نشانان، افرادی
هستند که با کمک تجهیزات خود سعی در کنترل
آتش دارند. خودروهای آتش نشانی، خودروهای
مجهز و بزرگی هستند که با خود مقدار زیادی آب
و شلنگ های مختلف حمل می کنند.

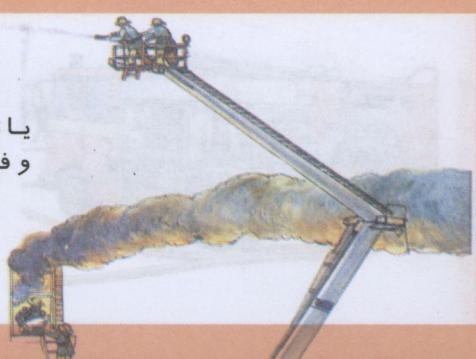
قصص مزده خدا

محمد علی دهقانی

آمدی مثل نور، مثل سحر
مثل رویدن گل خورشید
مثل یک چشمہ‌ی زلال و روان
که از آن صدهزار گل روید



نردهان‌های بلند و نردهان‌های هیدرولیکی
یا تلسکوپی برای دسترسی آتش نشانان به آتش
و فرو نشاندن آن به کار می‌روند.





چون که از غار آمدی بیرون
قادم مژده‌ی خدا بودی
بر لبانت پیام رحمت بود
بهترین بندۀ‌ی خدا بودی



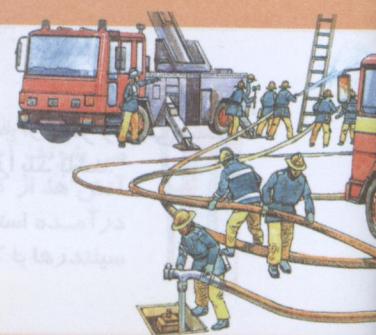
از لبانت چو رود جاری شد
آیه‌های کتاب بیداری
ریخت بر چشمهاخوب آلود
هر کلام تو آب بیداری



آمدی تا شب ستمکاری
برود، نوبت سحر گردد
تا به دلهای خسته و تاریک
نور ایمان و عشق برگردد

«دوست» سالروز بعثت پیامبر نور و رحمت حضرت محمد مصطفی (ص) را تبریک و تهنیت عرض می‌نماید.

برای دسترسی به آب بیشتر برای فرونشاندن
آتش، جایگاههایی در خیابان‌ها وجود دارد که
هنگام نیاز، شلنگ‌های آتش نشانی به آنها متصل
می‌شوند.



دردهای پدر بزرگ

قسمت چهارم

من و عّمه زهرا از دیدن پدر بزرگ بر روی ایوان، غافلگیر شده بودیم. عّمه زهرا با عجله از جا بلند شد و گفت: «خدا مرگم بده آقاجون، چرا از جاتون بلند شدین؟ مگه دکتر نگفت که حالا حالها باید استراحت کنید؟» پدر بزرگ اخم قشنگی کرد و گفت: «برید بابا، شما و این آقای دکتر دست به دست هم دادین که منو از پا بندازین؟»

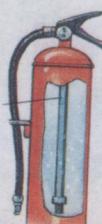
من گفتم: «آخه آقاجون، شما قلبتون ناراحته.» پدر بزرگ در حالی که می نشست و به مخدّه اش تکیه می داد، با نگاهی مهربانی به من گفت: «نترس گلم! من بیدی نیستم که به این بادها بذرزم.» بعد رو به عّمه زهرا کرد و بالحنی که پر از محبت و نوازش بود به او گفت: «پدر جان، شما هم پاشو برو سه تا چایی ناب برامون بریز و بیار تا همین جا روی ایوان با هم چای بخوریم و حرف بزنیم.» عّمه زهرا خواست چیزی بگوید. اما پدر بزرگ که انگار حدس می زد دخترش چه می خواهد بگوید، به او فرست حرف زدن نداد و گفت: «من حالم خوب خوبه دخترجان، برو چایی بیار.» دیگر جای هیچ حرفی نبود. عّمه زهرا رفت که چای

انجام کمک های اولیه، از دیگر وظایفی است که یک آتش نشان باید آن را بلد باشد.



بیاورد. من هم رفتم نزدیک پدر بزرگ نشستم و خواستم به پاهایش تکیه بدهم، اما یادم آمد که حال آقاجون خوب نیست و به خاطر همین، خودم را کنار کشیدم. ولی پدر بزرگ، که متوجه حالت من شده بود، با دست های مهربانش بغلم کرد و مرا به خودش چسباند و روی موهايم را بوسید. خیلی خوش آمد. پدر بزرگ، همیشه بوی خوب می داد. عطر تن پدر بزرگ، مثل رفتارها و حرف هایش، دلنشین و دوست داشتنی بود. یاد اثر تازیانه روی پشت گلولیم جمع می شد.

پدر بزرگ که متوجه ناراحتی من شده بود، با مهربانی دستی روی سرم کشید و گفت: «چی شده باباچون؟ ناراحتی؟ نکنه دلت برای بابا و مامانت تنگ شده؟» بدون این که ناراحتی ام را پنهان کنم، گفتم: «من دیگه به شما و عمه زهرا عادت کردم. فکر نکنم تا آخر تابستان دلم برای بابا و مامان تنگ بشه.» پدر بزرگ خنديد و گفت: «ای کلک! مگه میشه دختری به مهربونی تو دلش برای بابا و مامانش تنگ نشه.» گفتم: «تنگ که می شه، ولی برای دردهای شما بیشتر ناراحتم.»



در آتش هایی که توسط الکتریسته و جرقه‌ی ناشی از آن ایجاد می شوند، آب وسیله‌ی خوبی برای مهار آتش نیست. در این نوع آتش‌ها، از کپسول‌های حاوی کربن دی اکسید که به صورت پودر درآمده استفاده می شود. کربن دی اکسید تحت فشار زیاد در سیلندرها یا کپسول‌هایی نگه داشته می شود.



پدر بزرگ با کنجکاوی اخمنی کرد و پرسید: «دردهای من؟ کدوم درد؟ نکنه درد قلبمو می‌گی؟» گفتم: «برای اون هم نگرانم، ولی...» پدر بزرگ ادامه داد: «ولی چی؟» گفتم: «اون اثر شلائق روی پشت توون...» پدر بزرگ خندید و گفت: «امان از دست این زهرا، بالاخره طاقت نیاورد و به تو هم گفت؟»

خواستم چیزی بگویم که خود عمه زهرا با سینی چای از راه رسید و گفت: «نه آقاجون، من دهن لقی نکردم. مریم خودش قرمزهای پشت تونو دید.» پدر بزرگ در حالی که استکان چایش را از دست زهرا می‌گرفت، خودش را جا به جا کرد و گفت: «خیلی خوب، حالا چیز مهمی نیست.» و خواست حرف را عوض کند. اما من با اصرار گفتم: «نه آقاجون، حرفو عوض نکنی. دلم می‌خواهد از اون سال ها برام بگین. از اون سال های مبارزه و زندان.» پدر بزرگ که انگار از کنجکاوی من غافلگیر شده بود، چند لحظه نگاهم کرد و چیزی نگفت. بعد به گوشه ای در دورها خیره شد و زیر لب گفت: «باشه، برات تعریف می‌کنم.»

(ادامه دارد.)

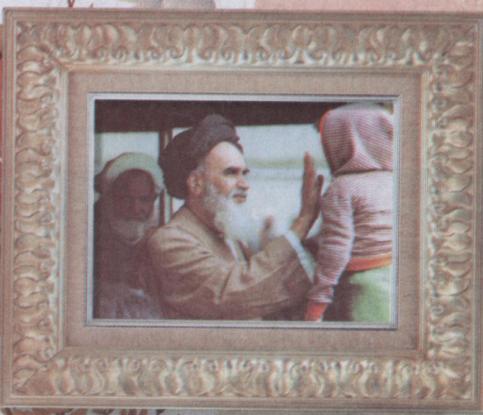


در فصل گرم و خشک و در نواحی که پوشش گیاهی خشک وجود دارد، ممکن است با وجود یک جرقه منطقه ای وسیع، مانند یک جنگل بزرگ به آتش کشیده شود. آتش سوزی



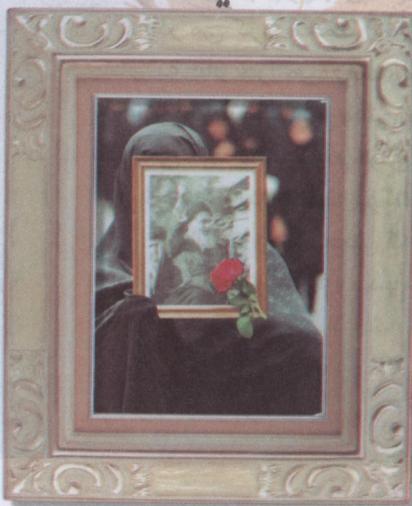
بوسه بر چهره می نورانی تو

بوسه بر خورشید است



کل صد امید است .

کل کرم نفست بر سر من



۱۱



وسيع و گسترده در سال ۱۹۸۸ که جنگل های
وسيعی در آمريكا را از بين برد، نمونه اي از
این آتش سوزی هاست.



او یک بُرگزپه بُود

سید جواد موسوی



خدیجه (س) نگران و مضطرب، کوچه ها را یک به یک طی می کرد. او نفس نفس زنان در حالی که عرق از سر و رویش می چکید تصمیم داشت خود را به خانه ی عمومیش «ورقه بن نوبل» برساند. «ورقه» مردی نایینا اما بینا دل بود. در راه، خدیجه به آنچه بر سر شوهرش محمد (ص) آمده بود، فکر می کرد. محمد (ص) هر چند وقت یکبار، به غار حرا می رفت. اما این بار حال او دگرگون بود. او با بدنش سرد و سنگین در حالی که سستی و رخوتی شدید بدنش را فراگرفته بود به خانه برگشته بود. محمد (ص) از حالت روحی عجیبی که در غار حرا به او دست داده بود برای خدیجه تعریف کرد. از نیروی غیبی که در اندیشه و فکرش نفوذ کرده بود و از نوری که سراسر وجودش را نورانی کرده بود.



F مثل [کمک های اولیه]: First aids

جان آدمی هنگامی که دچار صدمه، سانحه یا اتفاقی ناخواسته می شود، می تواند توسط انجام کمک های اولیه نجات پیدا می کند. همواره و در همه جا امکان

خدیجه که به خوبی همسرش را می‌شناخت، او را دلداری داده و گفته بود که بدون شک خداوند برایت بد نمی‌خواهد. او به محمد (ص) گفت که چون تو نسبت به خانواده و بینوایان مهریان و مددکار هستی و به کسانی که دچار رنج و زحمتند، یاری رسانی حتماً خداوند نیز کمک خواهد کرد.

خدیجه در این اندیشه‌ها بود که خود را در جلوی در خانه‌ی عمومیش دید. او می‌خواست نظر عمومی آگاه و مطلع خود را هم بداند. خدیجه حال شوهرش محمد (ص) را برای عمومی خود بیان کرد. «ورقه» پس از مدتی مکث، در حالی که به یک نقطه خیره شده بود گفت: قسم به کسی که جان «ورقه» در دست قدرت اوست، اگر آنچه را گفتی راست و درست باشد، شوهرت برگزیده‌ی خداوند است.

*

چند روز بعد از این دیدار، ورقه در کعبه با محمد (ص) ملاقات کرد و ازاو پرسش‌هایی کرد و سپس گفت: محمد! خداوند به تو وحی فرستاده است و تو هم مانند موسی و عیسی (ع) برگزیده‌ی خداوندی. سپس پیشانی محمد (ص) را بوسید و ادامه داد: برای خود متساقم که پیر شده ام. ای کاش زنده می‌ماندم و روزی که خداوند ترا به راهنمایی بشر مامور می‌ساخت را می‌دیدم. اشک شوق از دیدگان ورقه جاری بود.



دسترسی به امکانات پزشکی کامل وجود ندارد. در این هنگام «کمک پزشکان» یا «پیرا پزشکان» کمک زیادی در حفظ جان انسان می‌کنند.





الکتریسته خورشیدی، آرزویا واقعیت؟

منابع نفت و سوخته های فسیلی دائما در حال کم شدن است. عقل هم قبول نمی کند که انسان نفت را بسوزاند و از آن برق و الکتریسته تولید کند. همه ی چشم ها به خورشید دوخته شده است و از سوی دیگر به انرژی هسته ای. در این مقاله می خواهیم بیینیم چگونه می توان از انرژی خورشیدی، الکتریسته به دست آورد:

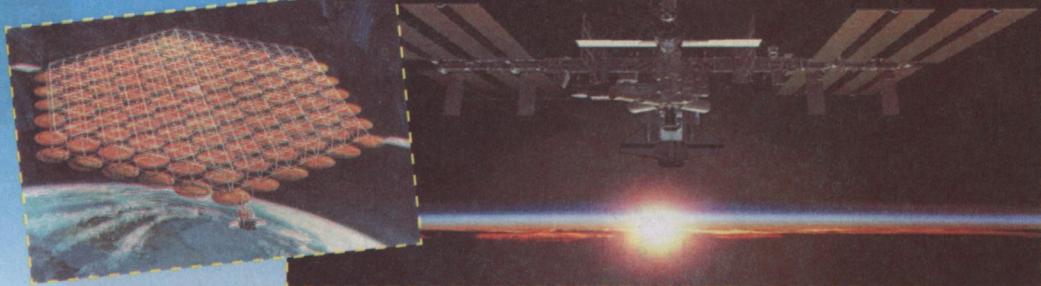
از سوختن سوختهای فسیلی به دست می آید. اما فقط مشکل این نیست. مشکل دیگر این است که انرژی خورشید در سطح وسیعی گستردگی وجود دارد. قضیه از این قرار است که انسان مدتی باست توانسته، سلول خورشیدی بسازد. البته برقی که از سلول خورشیدی به دست بشر می رسد، چندین برابر گرانتر از برقی است که

موضوع تبیهی الکتریسته از نور خورشید روی کاغذ خیلی ساده است. اما در عمل مشکلات زیادی وجود دارد. قضیه از این قرار است که انسان مدتی باست توانسته، سلول خورشیدی بسازد. البته برقی که از سلول خورشیدی به دست بشر می رسد، چندین برابر گرانتر از برقی است که



اولین اقدام در کمک رسانی به یک آسیب دیده، باز کردن راه تنفسی اوست.





دهیم. به این مناطق پایگاههای خورشیدی فضایی یا به طور خلاصه شده (SSPS) گفته می‌شود. در چنین ایستگاههای وسیعی، هیچ حیوان وحشی، گرد و غبار، دشمن یا چیز دیگری که آسیب رسان باشد وجود ندارد. گاهی ممکن است شهاب سنگها آزار و اذیت کمی ایجاد کنند که آن هم با تعمیر قابل جبران است.

مشکل این ایستگاهها این است که نمی‌توان به راحتی برق تولید شده در آنها را به زمین انتقال داد. برای حل این مشکل انسان در حال ابداع روشنی است که در آن اول الکتریسته را به نوعی میکروموج (مثلاً مانند امواج رادیویی) تبدیل کند. سپس گیرنده‌های خاصی روی زمین قرار دهد تا اولاً این میکروموج‌ها را دریافت کند، ثانیاً آنها را به الکتریسته تبدیل کند. البته در این تغییر و تبدیل مقداری از انرژی از بین خواهد رفت. در هر حال ساختن این ایستگاهها هزینه‌های زیادی دارد. اما شاید با کم کردن هزینه‌ی جنگ‌ها، ساخت تانک‌ها، موشک‌ها، کشتی‌های جنگی و هوپیماهای نظامی بتوان آنها را بالای سرمان در فضا درست کرد. صحیح چیز خوبیست نه؟!

اما در مورد انرژی خورشیدی این گونه نیست. شما نمی‌توانید انرژی خورشیدی را در یک جا اباشته کنید. راه حل این مشکل این است که برای تولید الکتریسته از خورشید، باید هزاران کیلومتر زمین را در اختیار گرفت و در روی آنها سلول‌های خورشیدی قرار داد تا برق مصرفی به دست آید. البته زمین آفتابگیر در دنیا زیاد است. از صحرای آفریقا بگیرید تا صحراهای عربستان، استرالیا، آمریکا و کشور خودمان. اگر به فرض سطح این دهها هزار کیلومتر صحرای آفتابگیر را هم با سلول‌های خورشیدی پوشانیم باز مشکلات دیگری وجود دارد که باید حل شوند. مثلاً سلول‌های خورشیدی این منطقه‌ی بسیار وسیع می‌توانند توسط دشمنان یک کشور به راحتی از بین بروند. یا حیوانات وحشی و باد و باران آنها را نابود کنند. به فرض اگر بتوانیم همه‌ی این مسایل را هم حل کنیم، با تاریک شدن هوا باید چکار کنیم؟ این مناطق در ساعتی از شباهه روزی در تاریکی مطلق قرار می‌گیرند. تازه، گرد و غبار و ابر و توفان‌های شن را هم حساب نکرده‌ایم.

راه دیگر این است که سلول‌های خورشیدی را در پنهانه‌ی وسیعی از فضای خارج زمین قرار



تنفس دهان به دهان اقدام دوم
در رساندن اکسیژن به ریه‌های فرد
مصدوم است.

راه خوب

مجید ملامحمدی



بابا بزرگ نگاه کرد به آفتاب. چند ساعت به غروب مانده بود. با خودش گفت: «الان وقت خوبی است باید برrom به سراغش دلم برای او خیلی تنگ شده است.» او بیلش را گذاشت کنار کلبه اش، بعد از میانه ی راه نخلستان راه افتاد. آرام آرام از روی چند تا جوی پر آب رد شد. چند باغ کوچک را دور زد تا به نزدیکی نخلستان دوست عزیزش رسید. هر چه نگاه کرد او راندید. در آن جا فقط یک شانه به سر بود که داشت روی درخته ها آواز می خواند. بابا بزرگ جلوتر رفت تا آن طرف درختچه ها را هم بیند. ناگهان صدایی به گوشش خورد. کنگکاو شد. جلوتر رفت و یکی از درختچه ها را کنار زد. خودش بود. بابا بزرگ با دیدنش خوشحال شد. اما ناگهان شاپرک خنده از روی لبهایش پرید.

- وای نگاه کن چه عرقی کرده!
فوری جلو رفت و گفت: «سلام آقا. دارید چه کار می کنید؟»

امام کاظم (ع) که دوست عزیز بابا بزرگ بود سرش را بلند کرد. او داشت با بیل خود خاک های باغ را زیر و رو می کرد. بابا بزرگ باز هم سؤال خود را تکرار کرد. امام کاظم (ع) یک نفس راحتی کشید. با دستار خود صورت و گردن خود را پاک کرد و گفت: «سلام پیرمرد!»



در صورت از کار افتادن قلب، با گذاشتن دو دست بر روی قفسه سینه و قطع و وصل فشار دست، امکان راه افتادن قلب وجود دارد.

بابا بزرگ جلو رفت تا به امام کاظم (ع) کمک کند. اما امام نگذاشت. Baba بزرگ گفت: «فدایتان شوم پس کار گرتان کجاست تا کمکتان کند؟ شما که نباید کار کنید.»

امام کاظم (ع) خنده دید. صورت مثل گلش را طرف او چرخاند و گفت: «ای علی، آن کسانی که بهتر از من بودند در زمین خدا کار می کردند.» بعد دوباره خم شد و مشغول بیل زدن شد. Baba بزرگ که زیر آفتاب عرق کرده بود، فوری زیر سایه‌ی یک نخل رفت. بعد پرسید: «منظورتان چیست، آنها چه کسانی بودند؟»

امام کاظم (ع) دوباره دست از کار کشید و گفت: «هم حضرت محمد (ص) کار می کرد و هم امام علی (ع) و همه‌ی پدرانم. کار کردن راهِ خوب پیامبران و آدم‌های درستکار است.»

بابا بزرگ دیگر طاقت نیاورد صبر کند. پیش امام کاظم (ع) رفت تا کمکش کند. چون دلش نمی آمد دوست عزیزش تنها بی مشغول کار باشد

«دوست» سالروز شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع) را

تسليت عرض می نماید.



جعبه کمک‌های اولیه:

- ۱- ابزار مچین مانند برای برداشتن اجسام کوچک از داخل زخم
- ۲- قبچی
- ۳- باند زخم
- ۴- پنبه استریل
- ۵- سنجاق قفلی
- ۶- قیف مخصوص برای شستشوی چشم
- ۷- پماد آنتی بیوتیک
- ۸- باند کشی (الاستیک)
- ۹- انواع چسب زخم



همه ما که در شهرها، حتی شهرهای خیلی کوچک زندگی می‌کنیم، چشمان به دیدن تابلوهای گوناگون آشناست. حتی مغازه‌های خیلی کوچک نیز برای معرفی خود و جذب مشتری از انواع تابلوهای ریز و درشت رنگی استفاده می‌کنند. طباخی فلان، خیاطی بهمان، پنچرگیری فلان، شیشه بری بهمان، ... در این بین خودتان دیده اید که استفاده از چیزی که به نتون شهرت دارد تا چه حد است. دیدار این هفته دوست با آقای قاسم دانشور تابلو نيون فعالیت دارد، ضمن اینکه مدت ۱۴ سال است که خودشان، از تولیدکنندگان ترانس مخصوص برای تابلوهای نيون هستند.

امیر محمد لاجورد

نوشه‌هایی با نيون

رنگهای متعدد دیگری هم در این تابلوها استفاده می‌شوند.

همین دو رنگ هستند اما با استفاده از بعضی ترفندها می‌توان به رنگ‌های دیگر هم رسید. بعضی از لوله‌های شیشه ای رنگی هستند و در بسیاری از موارد نیز پودری را وارد لوله‌های شیشه ای می‌کنیم که به جداره لوله می‌چسبد و بسته به نوع پودر، بعد از اشتعال گاز، رنگهای مختلفی را ایجاد می‌کند.

• ساختن تابلوی نيون سخت است؟

مهارت و دقت زیادی می‌خواهد. همچنین به تجربه نیازمند است. کار کردن با شیشه ای که در اثر حرارت نرم

• نيون چیست؟

نام گازی است که وقتی ولتاژ برق بالایی به آن داده شود از خودش نور تولید می‌کند. لوله‌های شیشه‌ای در تابلوهای نيون معمولاً پر شده از گاز نيون هستند. حالا چرا می‌گوییم معمولاً؟ تابلوهای نيون تنها یک اصطلاح است که جا افتاده است چرا که در بسیاری از این تابلوها، به جای نيون از گاز «آرگون» استفاده می‌کنند. استفاده از گاز نيون باعث می‌شود تا به یک نور قرمز دسترسی پیدا کنیم و این در حالی است که گاز آرگون در حالت اشتعال، نور آبی از خود تولید می‌کند.

• اما غیر از این دو رنگ، می‌ینیم که



F مثل Fish [ماهی]:

حدود ۵۰۰ میلیون سال است که ماهی‌ها در اقیانوس‌های زمین شنا می‌کنند. ماهی‌های اولیه دارای فلس، باله و آرواره نبودند و شباهت زیادی به ماهیان امروزی نداشتند.

مکالمه نیون

به برق شهر وصل کرد. ترانس ها دارای قدرت های متفاوتی هستند که متناسب با طول هر نئون باید ترانس مناسب آن را انتخاب کنیم. گازهای نئون و آرگون برای مشتعل شدن نیاز به ولتاژهای چند هزار ولتی دارند که این وظیفه را

ترانس ها ناجام می دهند.

• پس این تابلوها برق زیادی مصرف می کنند.

نه، درست است که ترانس ها ولتاژ بالایی تولید می کنند اما برق زیادی مصرف نمی کنند. میزان برق مصرفی اکثر آنها از یک لامپ معمولی کمتر است.

• آلان تابلوی خود شما به آن بزرگی چقدر برق مصرف می کند؟

آن تابلو حدود ۷ متر است و غیر از حاشیه اش در آن حدود ۱۲۶ خط نئون با طول بیش از دو متر به کار برده شده است. برق این تعداد نئون را حدود ۹۰ عدد ترانس تأمین می کند که در مجموع شاید بتوان گفت که قابل قیاس با مصرف همزمان ۳ عدد اتو است. می بینید که به نسبت نوری که تولید می کند مصرف برق آن هم چندان زیاد نیست.

• ساخت هر تابلوی نئون چقدر طول می کشد؟

شده و شکل دادن به آن به نحو مطلوب، یک کار هنری و دقیق است. ضمن اینکه جوش هایی که به لوله های شیشه ای می دهیم کاری تخصصی است و باید به گونه ای باشد که به هیچ وجه هوا داخل لوله نشود.

• تابلوهای نئون چگونه ساخته می شوند؟

ابتدا طرح و یا نوشته را بر روی کاغذ طراحی می کنند. بعد لوله های شیشه ای را با استفاده از حرارت نرم کرده و متناسب با آن طرح خم می کنند تا لوله شیشه ای شکل طرح و یا نوشته را به خود بگیرد. بعضی از طرح ها ممکن است دارای طول بلندی باشند و نیاز باشد تا چند لوله را به هم جوش بدھیم. سپس با استفاده از مکش باید هوا داخل لوله را کاملا خارج کنیم. همچنین باید داخل لوله را کاملا پاک از همه می مواد اضافی کنیم. بعد باید داخل لوله را از گاز نئون و یا آرگون پر کرد و به دو سر لوله نیز دو الکترود جوش داد. در این بین متناسب با رنگ نوری که می خواهیم باید قبلا پودر رنگی مخصوص را نیز به داخل لوله اضافه کرده باشیم. بعد مرحله نصب است که این کار با استفاده از پایه های مخصوص صورت می گیرد و در نهایت هم باید دو سر الکترود را به ترانس و ترانس را نیز

- ۱-دهان
- ۲-خط جانبی (حساس به ارتعاشات آب)
- ۳-آیشش
- ۴-باله ی کناری
- ۵-چشم
- ۶-اولین باله ی پشتی
- ۷-اولین باله ی زیرین
- ۸-دومین باله ی زیرین
- ۹-دم ماهی
- ۱۰-مقعد



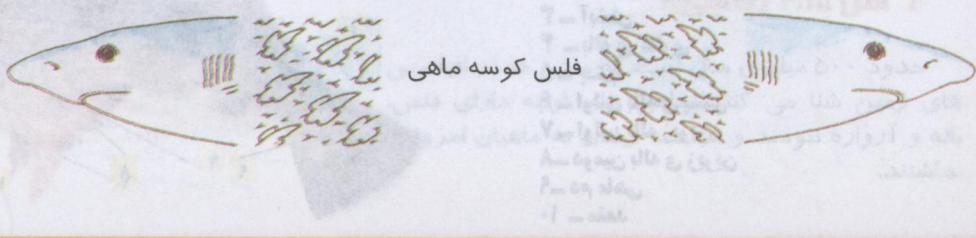
مسلم است که بستگی به اندازه و نوع تابلو دارد. برای ساخت این تابلو چندین نفر کار کرده اند. آهنگر اسکلت آن را ساخته است. رنگ آن به عهده نقاش بوده است. نئون ساز نئون های آن را ساخته، نصب آن را نصب کرده و یک متخصص برق هم کارهای برقی آنرا انجام داده است. ضمن اینکه برای ساخت این تابلو نیاز به تخصص های دیگر هم بوده است، مثلاً دارای نرم افزاری است که ترتیب خاموش و روشن شدن نئون ها را کنترل می کند. از سه رنگ قرمز و آبی و سبز استفاده شده که با ترکیب آنها می توان به خیلی از رنگها رسید. مثلاً با روشن شدن نئون های قرمز و سبز، رنگ زرد را می بینیم. ساخت این تابلو حدود ۵ ماه طول کشیده است و این به دلیل این بوده است که چون قرار بوده در روی پشت بام نصب شود نیاز به وسایل بخصوصی داشتیم که باید آنرا خارج از کشور وارد می کردیم. مثلاً لوله های شیشه ای آن باید از نوع مقاوم تری نسبت به دیگر لوله ها باشند چرا که باید در برابر توفان و تگرگ و دیگر شرایط جوی مقاومت کنند.

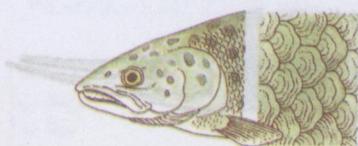
۰ اگر برف و باران باید با این همه وسایل برقی که دارد اتصالی نمی کند؟

مجهز به دستگاه مخصوصی است که رطوبت هوا را می سنجد و به هنگام برف و باران بطور خودکار برق تابلو را قطع می کند. بعد از خشک شدن نیز بطور خودکار برق را مجدداً وصل می کند. همچنین مجهز به دستگاهی است که با تاریک شدن هوا تابلو را روشن و به هنگام روشن شدن آسمان تابلو خاموش می کند.

۰ دوام تابلوهای نئون چقدر است؟

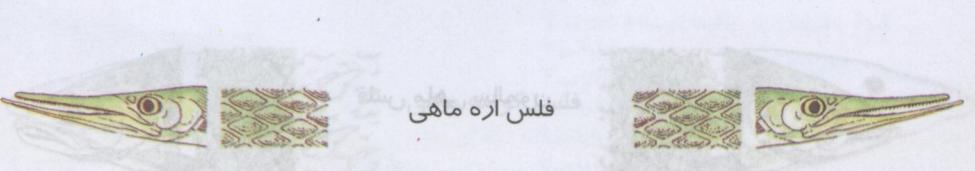
چنانچه خوب ساخته شده باشند عمر زیادی خواهند داشت. ضمن اینکه به دلیل حساس بودن باید مواضع بود تا به آنها ضربه سختی وارد نشود.

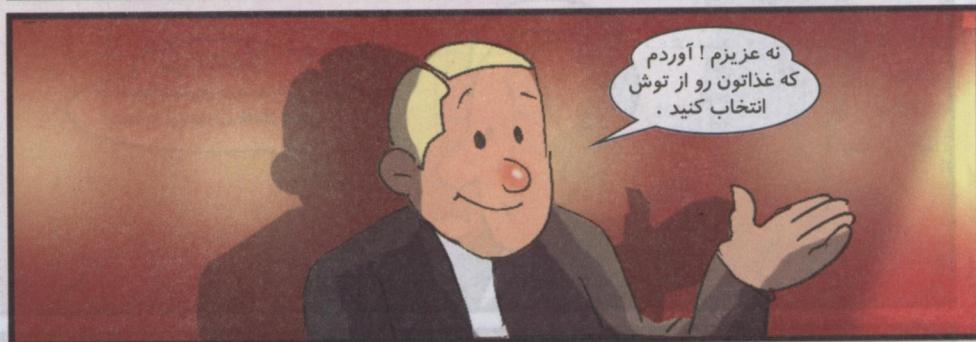




فلس ماهی سالمون



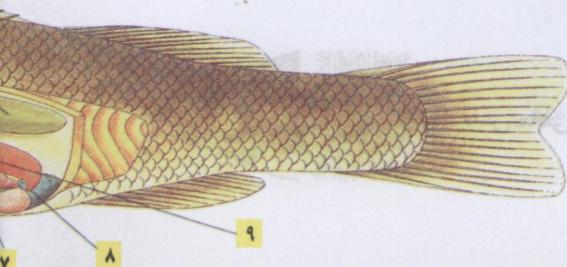






محتويات داخل شکم ماهی:

- ۱ - کيسه‌ي شنا (ماهي با كم و زياد كردن هواي داخل آن، عمق خود را در آب بالا و پايان مي برد)
- ۲ - گليه
- ۳ - قيقه‌های آبشش





جدول گندانه دار

۹	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸		۶		۴		۳	

افقی

۱. بخشی از چشم که نور از آن وارد عدسی چشم می شود - حوض داخل حمام!
۲. اشاره - شغل.
۳. غوزه‌ی پنبه - مایه حیات.
۴. اولین ماه زمستان - ناشنوا.
۵. ماده‌ای سوختنی - مستحب نیست.
۶. «قطع» در فیلمسازی - اتاق خلبان و خدمه‌ی پرواز

عمودی

۱. همکار قوری، البته در قدیم - زیاد نیست.
۲. بر صورت آقایان می روید - توان و رمق.
۳. اولین پیامبر - مشق را در آن می نویسند.
۴. حقیقت و طبیعت هر چیز.
۵. تردید و دودلی - محصول صابون!
۶. با آن، لباس می بافند.
۷. کار خیر دارد - مادر باران.
۸. واحد مقیاس سطح برابر با 100 مترمربع - نار استی.
۹. ریشه و پایه - محلی خوش آب و هوا در شمال تهران.

پاسخ جدول شماره گذشته

جدول مردم در مستطیل

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۳	۲	۱	۰	۹	۸	۷	۶
۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۹
۵	۴	۳	۲	۱	۰	۹	۸

۴ - قلب (ماهی قلب ۲ حفره‌ای دارد. قلب انسان ۴ حفره دارد)

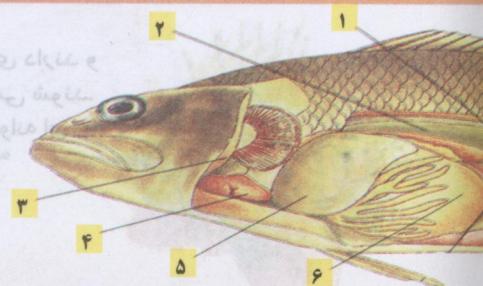
۵ - کبد

۶ - شکم بند (روده‌ها را نگه می دارد)

۷ - روده

۸ - مثانه

۹ - تخمدان





محمد کاظم مزینانی

قصه های

آجی هبھی

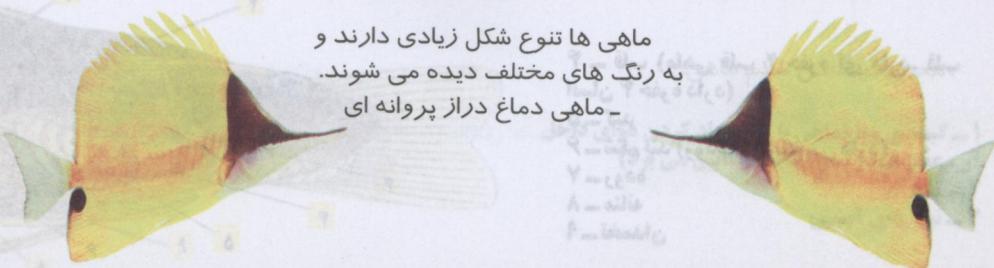
بازم تابستون می آد
مدرسه بسته می شه
آجی مچی تو کوچه
از بازی خسته می شه



باباش می گه: «نمی خوام
که تو بشی در دری
باید بری تابستون
کلاس جادوگری»



ماهی ها تنوع شکل زیادی دارند و
به رنگ های مختلف دیده می شوند.
- ماهی دماغ دراز پروانه ای



نخیر، می خوام برم من
سراغ کار بهتر
به من چه که چه طوری
غیب می شه یک کبوتر؟



غمگینه آجی مجی
چشمهای اون چه خیسه
باباش کلاس جادو
اسمشو می نویسه



آجی مجی خیلی خوب
یاد می گیره درساشو
هر وقت دلش بخواه او
غیب می کنه باباشو

(ادامه دارد)



ماهی «لیون»





دیدارهای دیدنی مرحله‌ی رفت لیگ برتر این دیدارها را ببینید!



در جدول دیدارهای هفتمین دوره‌ی لیگ برتر فوتبال ایران که جام خلیج فارس نامگذاری شده است مسابقات دیدنی و حساس وجود دارد:

●● دیدار دو تیم رقیب پرسپولیس و استقلال تهران در هفته‌ی نهم مسابقات. این دیدار که به «داربی» یا «شهرآورده» معروف است با تدارکات هر دو تیم که یکی از آنها آوردن مربیان جدید است، دیدنی‌تر خواهد شد.

●● دیدار استقلال تهران - استقلال اهواز در هفته‌ی اول

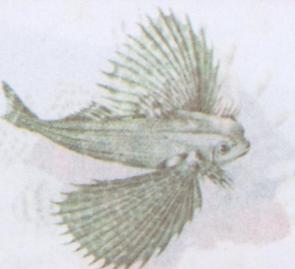
●● دیدار پاس - سایپا در هفته‌ی سوم (اگر پاس به همان قدرت گذشته باقی بماند)

●● دیدار استقلال تهران - سایپا در هفته‌ی پنجم.

●● دیدار پاس - پرسپولیس در هفته‌ی هفتم.

●● دیدار پرسپولیس - سایپا در هفته‌ی چهاردهم.

●● در لیگ برتر امسال، تیم شیرین فراز کرمانشاه و نفت آبادان هم حضور دارند. قرار است مسابقات هفتمین دوره‌ی لیگ برتر (مسابقات رفت) از اواخر مرداد ماه (احتمالاً ۲۶ مرداد) آغاز شود.



ماهی‌های تنواع شکل زیبادی دارند و
رنگ های مختلف دیده می شوند.
ماهی دماغه ماهی پرنده ای
آن هایی هستند که



مسابقه‌ی ورزشی تصویری



الف

- صحنه‌ای از یکی از دیدارهای مسابقات فوتبال جام ملت‌های آسیا را می‌بینید. برای ما به نشانی مجله نامه بنویسید و ذکر کنید:
- ۱- دیدار مربوط به کدام دو تیم آسیایی است؟
 - ۲- موقعیت توپ در کدامیک از تصاویر الف یا ب درست است.
- حتماً نام و نام خانوادگی و نشانی خود را به طور خواناً همراه با پاسخ مسابقه به نشانی مجله ارسال کنید.
- ۲۹۶
بادتان باشد که حتماً روی پاکت بنویسید. مسابقه ورزشی تصویری - شماره

فوتبال و اخلاق



هنگامی که یک ورزشکار (چه فوتبال یا ورزش‌های دیگر) در سطح جهانی مطرح می‌شود، انتظار می‌رود که از نظر رفتار و اخلاق نیز این بازیکنان الگوی دیگران شوند. در دیدار نهایی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان و پس از درگیری «مارکو ماتراتزی» مدافع ایتالیا با «زین الدین زیدان» که باعث شد زیدان ضربه سری به ماتراتزی بزند، در بین کارشناسان علوم تربیتی عنوان شده است که با وجود اینکه کار ماتراتزی نادرست بود اما زیدان هم نمی‌باشد آن گونه رفتار کند. در این خصوص چند مدرسه در فرانسه فیلم این درگیری را تبیه کرده اند و برای دانش‌آموزان خود آن را به نمایش می‌گذارند و هنگام نمایش فیلم، مسئولان مدرسه به بچه‌ها می‌گویند که نباید در زندگی چنین رفتارهایی از آنها سر بزند و خوبیشتن داری خود را باید در همه حال حفظ کنند.

یک اسب دریایی در مدت ۴ هفته از مرحله‌ی تخم تا تبدیل شدن به جاندار کامل، مرحله‌ی راطی می‌کند. اسب دریایی از قسمت دم خود را به جلبک‌های دریایی متصل می‌کند.





دنیس لاو



کوبن کیکان

باشگاههای بزرگ جهان منچستر سیتی

تیم انگلیسی منچستر سیتی، معروفیت تیم تقریبا هم نام خود؛ منچستر یونایتد را ندارد، اما به لطف هوادارانش در زمین چمن فوتبال همچنان حضور دارد. این تیم در سال ۱۸۸۰ میلادی به وجود آمد و خیلی زود لقب «آبی ها» را به خود اختصاص داد. دوران شکوفایی منچستر سیتی مربوط به سال های ۱۹۳۷ میلادی به بعد است. در آن سال ها این تیم حتی بالاتر از «لیورپول» و «آرسنال» هم قرار گرفت، اما در ادامه و در سال های بعد آن قادر گل خورد تا راهی دسته پایین تر شد. منچستر سیتی، بزرگانی مانند «دنیس لاو»، «کوبن کیکان» و «ایساکسون» را در خود دیده است. این تیم سه بار قهرمان دسته اول باشگاههای انگلیس شده و یک بار هم قهرمان جام در جام اروپا گردیده است.

نوعی ماهی در سواحل آفریقا وجود دارد که تخم نوزادان خود را در دهان نگه می دارد و هنگام تولد آنها را در آب رها می کند.





مسابقه‌ی جدول ویژه

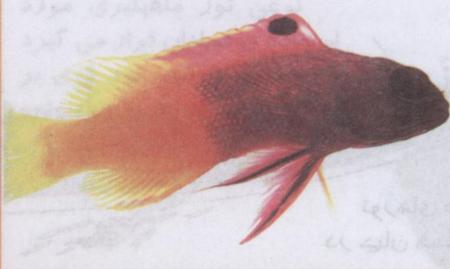
رمز جدول ویژه‌ی این شماره، نام یکی از مشاهیر تاریخ ایران است. شما باید حروف کلمه‌هایی را که در متن مربوط به او، زیرشان خط کشیده شده، در جدول پیدا کنید و روی آن‌ها خط بکشید. این حروف به ترتیب از راست به چپ یا چپ به راست، بالا به پایین یا پایین به بالا در جدول قرار گرفته‌اند. بعد از پیدا کردن همه‌ی حروف، از کتاب هم قرار دادن حروف باقی مانده، به ترتیب، رمز جدول را به دست می‌آورید. اما ۲ نکته را فراموش نکنید:

۱. فقط کلمه هایی را در جدول پیدا کنید که زیرشان خط کشیده شده است.
 ۲. حروف این کلمه ها ممکن است در یک یا چند حرف مشترک باشند.



«وی در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به مقام وزارت رسید و خواهر ناصرالدین شاه را نیز به همسری برگزید. در زمان وی تحولات زیادی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور پدید آمد. از آن جمله به تأسیس مدرسه‌ی «دارالفنون» می‌توان آشاره کرد. اصلاحات مهم و بزرگ این وزیر لایق، دشمنان مملکت، از جمله اکلیسی‌ها را وادار به بدگویی و خائن جلوه دادن وی نمود. همین دشمنی‌ها سبب شد که سرانجام ایشان از مقام وزارت عزل شود و به کاشان تبغید گردد. سرانجام نیز در حمام باغ فین کاشان به قتل رسید.»

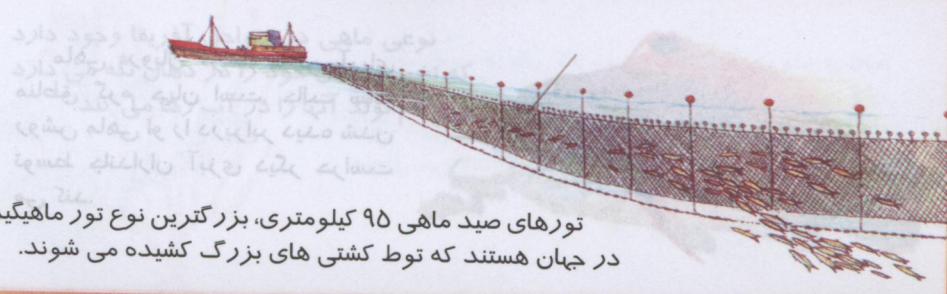
پاسخ هایتان را به نشانی مجله بفرستید. حتماً روی پاکت نامه بنویسید: «پاسخ مسابقه‌ی جدول ویژه شماره‌ی ۲۹۶». یادتان باشد نام، نام خانوادگی و نشانی پستی خود را به طور کامل و خواناً بنویسید.



ماهی «رویال گراما» ساکن آبهای مناطق گرم جهان است. حالت سایه روشن ماهی او را دربرابر دیده شدن توسط جانداران آبزی دیگر حرastت می‌کند.



قصه‌ی «بچه‌ها و کبوترها» نوشته‌ی سیروس طاهباز است که پیش از این نیز از قلم او قصه‌هایی را برایتان معرفی کرده‌ایم. «بچه‌ها و کبوترها» داستانی اجتماعی است که نویسنده آن را به همه‌ی کودکان و نوجوانانی که در سال‌های دفاع مقدس شب‌ها و روزهای بمباران را تجربه کرده‌اند، تقدیم کرده است. کتاب برای بچه‌های کلاس‌های سوم و چهارم ابتدایی نوشته شده است. با هم قسمتی از قصه‌ی بچه‌ها و کبوترها را می‌خوانیم.



تورهای صید ماهی ۹۵ کیلومتری، بزرگترین نوع تور ماهیگیری در جهان هستند که توط کشتی‌های بزرگ کشیده می‌شوند.

پچه ها و کبوترها

سیروس طاهباز

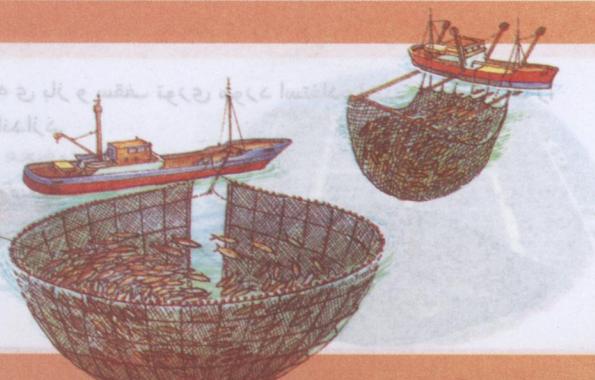
من و خواهر کوچکم همراه با پدر، در خانه بودیم. آن شب مادرم کشیک بود. غروب که شد رفت بیمارستان سر کارش.

شام را که خوردیم، من ظرفها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم و شستم. بعد، آمدم پیش پدر و خواهر کوچکم که در اتاق نشسته بودند و برنامه‌ی تلویزیون را تماشا می‌کردند.

پدرم، دلش گرفته بود. بی حوصله بود. تلویزیون را نگاه می‌کرد اما می‌دیدم که حواسش جای دیگر است.

من برنامه‌ی تلویزیون را تماشا کردم. چیزی بود درباره‌ی زندگی جانوران وحشی. حالش را نداشتم. چشمم افتاد به خواهر کوچکم که همانجا روی مبل، خوابش برده بود. در خواب، قشنگتر به نظرم آمد. پدرم گفت: «تا هواپیماهای دشمن نیامده اند، برویم کمی بخواهیم. امشب، شاید نوبت ما باشد. بمبهای بیفتند روی خانه‌ی ما». به پدر گفتم: «خدانکند». و خواهر کوچکم را بغل کردم و بردم به اتاق خوابمان.

نوعی تور ماهیگیری مورد استفاده‌ی صیادان قرار می‌گیرد که شهبا با تاباندن نور قوی بر روی آن، ماهی‌ها به سوی تور و نور جلب می‌شوند.



گذاشتمش روی تختخوابش و پتو را کشیدم
روش. خودم هم زود خوابم برد.

از نصف شب گذشته بود که بیدار شدم. از
ماه درشت که رسیده بود بالای درخت بید
مجنون بلند حیاط خانه مان، فهمیدم که از
نصف شب گذشته است. خواب از سرم پریده
بود، تشنه ام شده بود. بلند شدم بروم آب
بخورم و برای آنکه کسی را بیدار نکنم، چراغ
را روشن نکردم.

از جلوی اتاق پدر که رد شدم،
دیدم آتش سیگارش در تاریکی
می درخشید. فهمیدم هنوز نخوابیده.

جلو رفتم و گفتم: «پدر! هنوز بیداری؟»
و رفتم پیشش نشستم و صورتش را بوسیدم. خیس
اشک بود. برگشتم به اتاق خودم. چراغ را که
روشن کردم، خواهرم بیدار شد.

هراسان پرسید: «هان؟ آژیره؟»

گفتم: «نه! پدر داره گریه می کنه. بریم پیشش حرف بزنیم. تو بگو برامون قصه بگه.
اصرار کن!» هر دو رفتم به اتاق پدر و چراغ را روشن کردیم. پدر، بلند شد و روی
تختخواب نشست. با دستهایش اشک چشمهاش را پاک کرد.

خواهرم گفت: «پدر! حالا که خوابت نمی آد، برای ما قصه بگو.»

پدر گفت: «ای بابا! حالا چه وقت قصه گفته؟»

خواهرم گفت: «نه پدر! یا باید همه بخوابیم، یا تو باید برای ما قصه بگی. هیچ وقت برای
قصه شنیدن دیر نیست.»

آنقدر اصرار کرد که آخر سر پدر گفت: «خُب، پس برادرت برود چای درست کند. ما هم
برویم اتاق نشیمن تا من فکر کنم بینم چه قصه ای می توانم برای شما بگویم.»

خواهرم گفت: «یک قصه از جنگ بگو»

من هم گفتم: «آره پدر! ما یک قصه از جنگ می خواهیم.» و رفتم چای درست کنم.

تور ماهیگیری با دهانه‌ی باز و سقف توری مورد استفاده است که ماهی‌ها را
در داخل خود به دام می‌اندازد.



کتری را روی چراغ گاز گذاشتم و
شعله اش را خیلی بالا کشیدم تا زود جوش
بیاید. آب که جوش آمد، توی سه فنجان
آب ریختم و توی هر کدام یک چای پاکتی
انداختم و گذاشتم توی سینی، آوردم به اتاق
نشیمن. پدر و خواهرم آنجا نشسته بودند.
پدر، سرش را گرفته بود میان دو دستش و فکر
می کرد.

خواهرم هم دستهاش را گذاشته بود زیر چانه اش و
داشت پدر را تماشا می کرد.

چای را که خوردیم، من و خواهرم با هم گفتیم: «پدر!
برای ما جنگ را تعریف کن. قصه بگو.»

پدر گفت: «جنگ را با قصه نمی شود تعریف کرد.

چون جنگها، همیشه یک جور نیست. جنگهایی

هست برای رهایی، برای آزاد شدن، یا برای دفاع از سرزمین
و عقیده. در این جنگها باید هر کس که می تواند، شرکت کند و
اگر هم پیش آمد در راه عقیده و وطنش شهید شود. آنها هم که
نمی توانند در جبهه باشند باید از گوشه و کنار در هر موقعیتی
که هستند به آنها که در جبهه می جنگند، کمک کنند.

اما جنگهایی هم هست که تجاوز به حقوق دیگران است. حمله
به مردم و خانه های یک کشور دیگر است. این جنگ، بد است.
هر چیزی را خراب می کند و آدمها و خانه و زندگیشان را از
بین می برد. زندگی را نابود می کند. فکر کردم قصه ای از این
نوع جنگ را برای شما بگویم:

قصه‌ی پدر درباره‌ی جنگ از این جای کتاب به بعد شروع می شود. قصه‌ی
کلاغ هایی که به سوی سربازان دشمن می آیند و ماجراهای دیگر. می توانید
کتاب «بچه ها و کبوترها» را که به بهای ۴۰۰ تومان منتشر شده تهیه کنید و
بخوانید و از خواندن آن لذت ببرید.

حوضچه‌ی پرورش ماهی از مکان هایی است
که انسان با استفاده از آن به تولید و پرورش
انواع مورد نظر ماهی می پردازد. شرایط مختلف
در این حوضچه ها در کنترل انسان است.



بیایند نقاشی کنیم



هوایپیماهای «موستانگ»

«موستانگ» یکی از سریع ترین هوایپیماهای جنگ جهانی دوم بود که خلبان‌های آن دوره به آن لقب «کادیلاک هوایی» داده بودند. این هوایپیما اولین بار در سال ۱۹۴۰ میلادی به پرواز درآمد و ماموریت‌های زیادی بر علیه نیروهای آلمان (متعددین) انجام داد.

با طرح دوگی شکل که مثلثی در انتهای آن به طور عمودی قرار دارد، نقاشی خود را آغاز می‌کنیم.

طرح یکی از بال‌های بزرگ را مانند شکل رسم می‌کنیم.

حالا شروع به نقاشی دماغه‌ی هوایپیما و یکی از موتورهای آن می‌کنیم.

با یک خط منحنی هماهنگ و موزون، گایین خلبان را طراحی می‌کنیم. بال‌های انتهایی هوایپیما را هم رسم می‌کنیم.



مثل F پرچم [Flags F]

پرچم هر کشور نشانه هویت هر کشور است. در روی هر پرچم از رنگ‌ها، علایم، نمادها و حروفی استفاده می‌شود که هویت آن کشور را به سایر کشورها نشان می‌دهد.



در مسابقات اتومبیلرانی از پرچم شطرنجی (سیاه و سفید) برای دادن علامت به رانندگان استفاده می شود.





تولد دوستن «دوست» برای ما عزیز و کرام است. خوشحالیم که تولد این عزیزان را در مجله خودشان تبریک می‌کوییم. تبریک تولدتان هدیه‌ای ناچیز از طرف ما به شماست. آخر «هر چه از دوست رسد بیکوست». صد سال زندگی باشید!

بزرگ - محمد صادق درسانی - خایه چنی - دلارام
محبیار آزاد - آرین نویان - سازرا زهره ای - محمد
صادی هدایت - سارا صابری همدانی - بهنام امینی -
پیار سادات فرشتی - مانی مقدم کلیان - دانا گرفتی
- ماهوش احمدی - اردوان پیغمبری - علیرضا مکانی
- سسی چرم اذالا - مهدی گرانس بزدی - مظفره
اندرخوار - علیه السلام - سروش منصوری - محمد آذرمنش
علیرضا قاسمی نصرآزاد - میانا چنگیز - محمد نسبت
یبا - سید محمد هادی نواب - یعنی گلزاریان - امیر
رضاح شاهزده - عصید احمدی - زینه مهارمانی -
محمد مهدی پژاپور - روحانه چهاری - سیده نگین
موسوی - طلاق زنیخ - علیرضا نوبخت - تیما پیرزیان
- سما پیات - مهدیت پایانی - امیر حسن محمد نژاد
سارا زارعی - سید میرزا ذاهی - امیر حسن زاده
- مظفره مشایخی - امیر حسن یار محمدی - محمد
مهدی راهیان - جعید سبزی - علیرضا احمدی - مولان
نورابی نژاد - نعمه خدیری - هدرا پیغمبری - فاطمه
فاضل - فائزه ملکوون - پاسین اسلامیان - مونا فیروزی
محمد حسن محمد حسینی - پاسمن مومن پور - آلا
اصناس - محمد محسن راده - محمد رضا غفوری
پاسمن صوری هاشمی - امیر حسن راده - محمد رضا غفوری
روزگارگ - کیان سرسوی - دادی چهاری - روزبه آزادی
- محمد سعید احمدی - آشن چاهی - گیمی مرخی
- سعید مختاری - مهدیزاده توسلیان آرایان - فاطمه
سنانی رازم - رحیم پور خدیری - عصیده سیف لالی رازد - ملکا
پورانفر - پاسمن حسنه - پسران - سیا تالیف فرهیانی
نژاد - هرم پور خسروی - سیده مهندی - پرشاد طوفه
شبان - مهندی ابراهیمی - شلور دروزگار - پارسا مصطفوی
لیکنیمش - محمد سعید احمدی - طیب طلبانی - محمد
ادومن - مهدیزاده توسلیان آرایان - فاطمه
پاسمن رازم - پیکان یاک - محمد رضا نصیری - محمد حسن
ستاک - پیروز دار - مهندی ابراهیمی - روزبه فردیان
نر نیز - پاسمن کارگردان - خدیجه کلیانی -
امیر شله - مهندی خدیری - گیاهه عزیز خانی - دیان
پیغمبریان - میلان بورجی - همسا راستا شمار - سیده
پیغمبریان - پیکان یاک - زهرا نیزه ای - امیر رضامانی
چاهارها - پریزه زنگنه - مهندی ابراهیمی - مهدیزاده
حرام (چاهار) - شنبلان گردیلیان ازمانی - ساده گردیلیان ازمانی
حومه هواریان - سیدلا گردیلیان ازمانی - ساده گردیلیان ازمانی
خرم آفتاب - پیاره باروند
دانگانی - سیده گوثر امیر خلیلی
فرزونی - مینا عطاء
دلهنجانی - مهدی شفیعی
قطعه‌هاد رضا حضرتی - مهدی طوسی خراسانی - امیر
حسین یوسف زهایان - رغرا خلیلی - شفیعی قربانی
علی شفیعی - هشتگ شاکر - آرزوی مباراده - رضا ماقنی

دیهی - نیوشا خاچی - پریزیار حمزی معرفت - گلزار
پالیان - پوریا رحمانیزاده - عطیه مصطفویان - محمد
حادی پارس - مصطفی حسینی - سوده مشکو شناسات
- محمد کاظم انصاریان - زهره ای رودباری - سحر گرفتی
سلیمانی - شیرین پیغمبری - پریم رحیمی - فراهاد پیواس
- تیا راهیان - الیه السلام - سعاده خسرو شاهنی - روزانه
کتابی - پریزیار محمد تحسین زاده نیزه - سید پوریا
انتحاری - عالمانه شفیعی - سید عظیم ابراهیمی - سام
- سید عیینی - ارشیا پیرامی - ایشانی - محمد نکنی
- محمد نیازی - میری پور - ارغوان میرادی - ارغوان میرادی
غفاری - میری پور - ارغوان میرادی - ارغوان میرادی
علیا - کیمی پیرزاده
ازداده - درسته ریحانی - آرنا انصاری
آستانه - داریان ایلیس
آنوره - رانی پیغمبر مخدومی
اراکه - مینی دشت شدیدیان - دنیه براتی - علی صالحی
نظام آزاد - شفیع نوروزی - مهدی عبدی
ارزیل - سیده رکن پور - ارغوان میرادی - ارغوان میرادی
علیا - کیمی پیرزاده
ازداده - کساما پوروزی
اسفاریان - علی قربانی راهد - علی صالحی
اوهانی - علی روزی - مهدی عزیزی - خدیجه ای پور - مهدی عزیزی
نادر صدر آبادی - سید محمد تحسین حر - زهرا هدایی
- میلان ایرونی - سیا عابدی - پیلوویک نظر - مرجان
گویان - علی توکانی - امیر عیاض مخدومی
بلوچستان - شفیعی ملک احمدی - سید پارسا قزوینی
- محمد رفیع دوست دوستیان - عاصمه طوطانی پور - مهدی
براتیان - محمد مواد مجدیریان - محمد رضا رضایمند
عیینی رازد - نوشن نوریزی - سید محمد رضا رضایمند
ند اثیبیان - قربان هاشمی - محمد سلامیان روزگاریان
- زهره ملکیان - سیده آرین قنبری احمدی - هایله
شہزادی همین میلان - شاهنی ریاض - سیا عابدی عرب
- نر کن طاهریان - فریادی قزوینی - سیده مسیح
ریزیدی یگانه - فرزین گاوه - محمد رضا کلیانی
درس قربانی قر - علی پریق یانقی - سیا تالیف فرهیانی
محمد امین نیزه - سیده ملکیان - محمد حسن فردیان
اربدان مقدم - آیه سادات بنی نعمی - الیه السلام فرهیدیان
پریس دیسانی - میلان ایلیس - محمد سلامیان روزگاریان
ایمانیان - امیر حسن احمدی - دیده طیبیان
رضه مهدی - امیر حسن فرقه فربی - فاطمه علیانی
نیما عصاریان - داریان مقدم - سارا حسن بور - فاطمه سعادتی - پریس
اربدان مقدم - آیه سادات بنی نعمی - فرهیده فرهیدیان
پور - فاطمه خدیده راهکانی - ریکانه ای کلیانی -
پیشوایان - شفیعی ملک احمدی - خدیجه فردی - شفیعی
مین وابد - میلان ایلیس - سیا نویان - پیره ایلریان
رازه - دسما نیزه - میلان ایلیس - سیا نویان - محمد رضا
محمد احمدی - میلان ایلیس - سیا نویان - امیر رضامانی
حسین ساهنی - هدیه ای راسته ای - علی پریزه ای
اعتماد مقدم - کیمی تیکانی - علیرضا ظاهری ایستادنی
نمکن - نیکی چغمری گرفتی - مهدی دهنه گوردری - سیما نیزه گلک -
مرتضی منزوی - فاطمه فراموش - درسا مکی آل آتا
امیر حسن ابوطالب دریجانی - سو گرد للاخ در - محمد
علی قدری هارونیان - هدیه ای - علیرضا ظاهری ایستادنی
اعتماد مقدم - کیمی تیکانی - علیرضا ظاهری ایستادنی
نمکن - نیکی چغمری گرفتی - مهدی دهنه گوردری - سیما نیزه گلک -
مرتضی منزوی - فاطمه فراموش - درسا مکی آل آتا
سیما آلبانی - سیاوش ایمانی - رغرا خلیلی - شفیعی قربانی
علی شفیعی - هشتگ شاکر - آرزوی مباراده - رضا ماقنی

متولدین ماه مرداد

آزاده - مهدی خضری پور عرب

آزاده - درسته ریحانی - آرنا انصاری

آستانه - داریان ایلیس

آنوره - رانی پیغمبر مخدومی

اراکه - مینی دشت شدیدیان - دنیه براتی - علی صالحی

نظام آزاد - شفیع نوروزی - مهدی عزیزی

ارزیل - سیده رکن پور - ارغوان میرادی - ارغوان میرادی

علیا - کیمی پیرزاده

ازداده - کساما پوروزی

اسفاریان - علی قربانی راهد - علی صالحی

اوهانی - علی روزی - مهدی عزیزی - خدیجه ای پور - مهدی عزیزی

نادر صدر آبادی - سید محمد رضا رضایمند

ازداده - زهرا هاشمی ایلیس

آزاده - امیر حسن آهنگری - آیین صحت نژاد - هایله

بیانی - حامد یعنی ندا - بولان دشت علیزاده - فاراه

سواری - ایسی پور عزیزی - سیمیرا راجهانی - محمد

امین قیصیتی - پور - سامان حسن نیزه ایلیس

کلندی

امیر حسن پاروند رامی

آزاده - امیر حسن آهنگری - آیین صحت نژاد - هایله

بیانی - حامد یعنی ندا - بولان دشت علیزاده - فاراه

سواری - ایسی پور عزیزی - سیمیرا راجهانی - محمد

کلندی

پاروند - محمد رضا دوست محمدی

پارسی - قربان شیری

چخوند خدیف محمدی

پاروزخانه علیزاده

پروژه - پرند علیزاده علیزاده

پندر افزیان نیک رضامان خواه سرطانی

پندر گاهیان - کیمی پیرزاده

- پنیری - علیه ایلیس



فاطمه آزند / ۹ ساله / از آبادان



سیده سیمین آزند / ۱۰ ساله / از آبادان



محمد میرآخوری / ۶ ساله / از گرمسار



روز: سوزان خلیلی - مهدی کاریخش

و نیکنام: علی بابائی رسمی

رشته: امیر علی شناور - سمهی ططفی

- محمد صاحب خاطر - حسین پاسخی -

محمد نیکنامش

رفشجان: محمد امینی بناه

زاده: تکنیکی محمدی

روزگار: تکنیکی محمدی

زندگانی: زهرا سلطوقیان - سلمان سلطان

پور مقدم - کیمیا عابدی

زندگانی: محمد عارف ایزدی - فاطمه

عرب پور

روزگار: فرشید حسین پور

زبان: سما مادقیان - اوندرو پاکبور

یگانه: فتحی قادیانی

سازه: محمد رضا جدیران

ستمان: وجد طالب - مصطفی نبوی

سیمیر: محسن امینی سعیدرم

سنده: کاران ناصری

شاهزاده: مانا سسر و شاهراه

شاهین شه: شیربداد حیری

نشانه: فتحمه رجین

شوره: تبلور دارابی

شواره: زنده دار خواره - عارفه زند - شیرزاد

آمری - علیرضا مقدس - رضا مشیری -

شایان سلیم - سیده حضی خانی - آرمان

اسدبور - مریم شرافی - مرتضی سروش -

فاطمه باقری - فائزه کشاورز - حاتمه

کشاورز - علی حجمی سلیمانی

مودعه سزا: سیده نرجس صفوی

عیوب شیر: احمد اشرفی

فریونکوتا: امیر حسین مالدار

فلاؤرو جان: صادق تکسیری

فولوده: مهدی دردی - آرش زائر

جدیری - سید محمد پیران - سینا کرمی

قانشون: محمد حسین رباری

قزوینی: امیر دادکوهی - امیر علی کوکنی -

فاطمه تمور کاروان - مریم مصوصه

- علی کرمی فرد

قیه: حسین سسن پور گلد

حسین: امید صابری - سید علی فدای

حسین - مهدی و فقی - فاطمه سادات

فرعی: فرشی - سجاد اسلامور - زهرا

چهانکردزاده - مانده مصومیان - علی

اصلاحی ملتی - فاطمه محسنس - ریحانه

اکبری - فتحمه سادات موسوی - حابه

و فقی - مهیا سادات حسنه بزری

فوجاه: میدیری باری

کنانیان: کیانا سیمجیان - مریم عباس زاده

کتابان: مریم توغری - زاده - برهام شاهن -

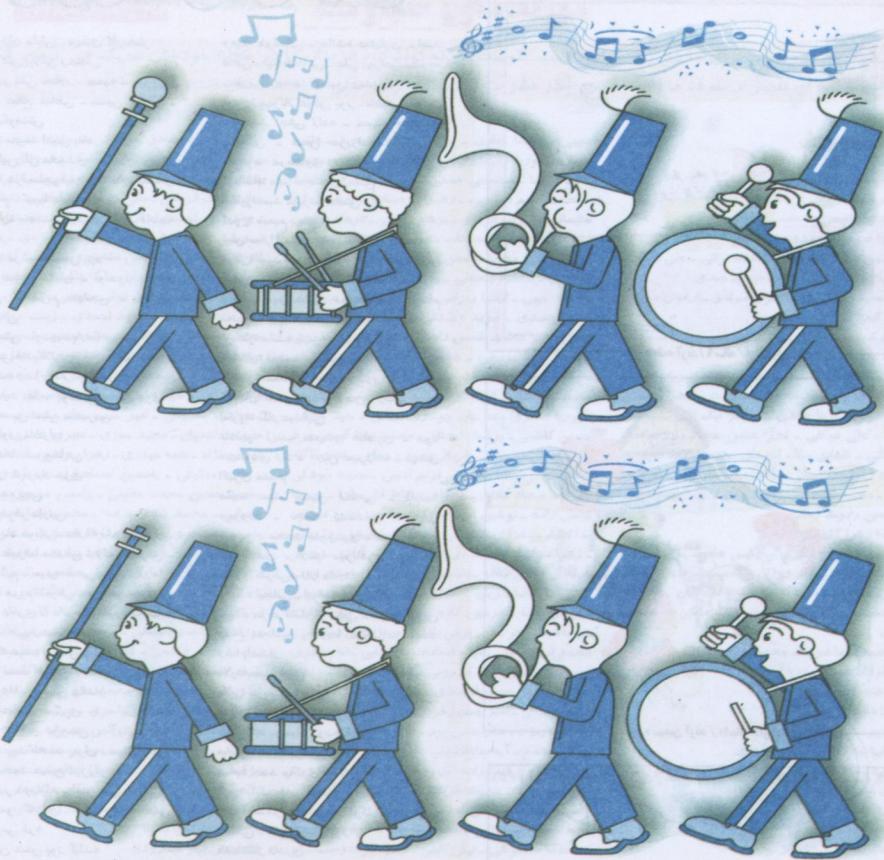
کریم: بوری توغری - زاده - برهام شاهن -

علیرضا ناظرقی - حمید رضا آذربینا -

F مثل [حشرات بالدار]

بعضی از مخلوقات کوچک خداوند، برای انسان بسیار خطرناک هستند. حشرات و پشه‌ها از جمله‌ی این جانداران هستند. آنها حدود ۹۰ هزار گونه‌ی مختلف هستند. مگر همچنانی حشرات بالدار کوچک هستند که بر روی کنافات و مواد آلوده، تخم ریزی می‌کنند. تخم پس از مدتی به «الارو» تبدیل می‌شود و لارو نیز به حشره بالغ.





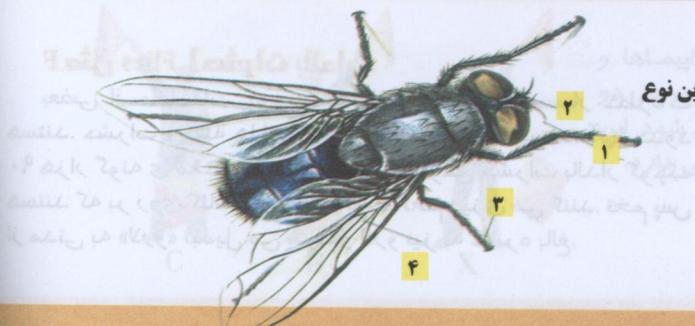
پاسخ سرگرمی:
شماره گذشته:

کدام
تصویر؟



۲ تصویر و ۱ اختلاف

این ۲ تصویر به ظاهر شبیه، در ۱۰ مورد با هم اختلاف دارند. قلم بردار و دور نگاه اختلاف را خط بکش.



۱- چشمان مرگ (میدان بینایی در این نوع چشم بسیار زیاد است)

۲- شاخک حساس (آتنن)

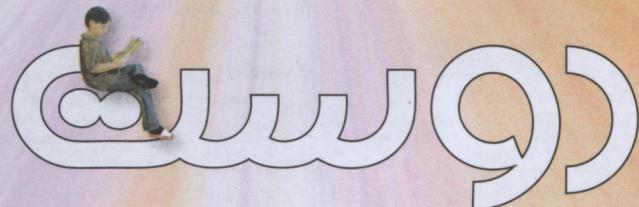
۳- پاهای گرد دار

۴- بال

نشرفوج

نشانی:

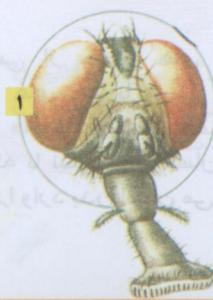
تهران - خیابان انقلاب اسلامی - چهار راه حافظ - پلاک ۲
امور مشترکان مجله هفتگی «دوست»



۱۴۱

مگس دارای چشم مرکب
و خرطومی جهت مکیدن مواد
غذایی به داخل بدن خود است.

- ۱- چشم مرکب
- ۲- خرطوم



دلخشیه بیماری
در این نکته نیست
در خانه چهل پلاک عالی
دیگ صور کشیده را
عکسی برداشتن

۲

۲۷۵۰ ریال هر شماره، ۱۴ شماره، هر ماه ۱۳۸۶ اول سال تا پایان نیمه‌ی اول

مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۲ بانک صادرات میدان انقلاب کد ۷۶ به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید. (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در سراسر کشور) فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، چهارراه حافظ، پلاک ۲ ۹۶ امور مشترکان مجله «دست» ارسال فرمایند.

قابل توجه منقاضیان خارج از کشور

های یک شماره از مجله هفتگی «دوست»:

- بستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور که در ایران سکونت دارد می توانند مبلغ فوق را به حساب اعلام شده واریز نمایند و سپس شناسن فرد خارج از کشور را به امور مشترک کان محله دوست ارسال نمایند.

احداشتراک محله دوست آماده در رافت پیشنهادات و انتقادات شما است.

فرم اشتراک:

نام خانوادگی: نام:

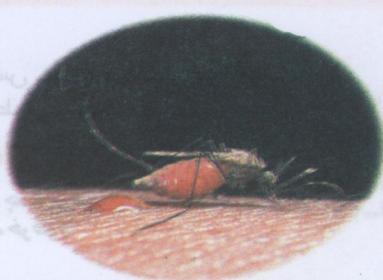
تاریخ تولد: / / ۱۳

شانز

تلفن: کد پستی:

شروع اشتراک از شما

climb



بعضی از حشره های بالدار، منشاء بیماری های خطرناکی در انسان هستند. بشوه ی «آنوفل» یکی از حشرات خطرناکی است که با نیش زدن انسان، انگل بیماری مalaria را وارد بدن انسان می کند.



در این نقشه، گستردگی بیماری مalaria را در جهان می بینید. مناطق آلوده به مalaria با رنگ صورتی نشان داده شده اند.



بازی کدام سایه؟!

شرح در صفحه ۲



فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه تصویری کودکان فرهنگنامه

